هوش مصنوعی مجتهد! منشی مجتهد ای استدلالگر ای مجتهد؟

در فضای همین بخش دوم بود که دیروز یکی از آقایان مطرح کردند که آیا هوش مصنوعی میتواند اجتهاد کند؟ ظاهراً این سؤال در جاهای مختلفی هم مطرح میشود. میتواند اجتهاد کند یا نه؟ خلاصه چیزی که مطرح کردم: دو چیز هست که نزد ناظرین آگاه به مباحث متفق علیه است و سومی آن میتواند محل اختلاف باشد. آیا هوش مصنوعی میتواند اجتهاد کند؟ در قدم اول، متفق علیه همه است که هوش مصنوعی میتواند معاون یک فقیه باشد؛ منشی فقیه باشد. منشی بسیار خوب! در اصطلاح هوش مصنوعی، به آن سیستم خبره میگویند. سیستم خبره این است که شما چیزهایی را به او میدهید و منشی فقیه میشود؛ پروژه نجف را چند سال است که مشغول هستند؛ ناصر جامع فقیه. فوری همه اطلاعات را به او عرضه میکند، حتی اگر مبانی خودش را فراموش کرده ای دارد اشتباه میکند، این را به او یادآوری میکند و میگوید شما طبق مبانی خودتان باید به این صورت بگویید. گمان نمیکنم کسی در این خدشه کند؛ کسی که آگاه باشد. حال کسی نمیداند، این منظور ما نیست. ولی کسی که آگاه به موضوع باشد، میداند که متفق علیه است که در باب اجتهاد، ما سیستم خبره داریم و منشی یک مفتی داریم که بخوبی میتواند کارش را انجام بدهد. ولو معنایش این نیست که وقتی میگوییم کارش را انجام میدهد، معصوم است. اینکه منظور ما نیست. یعنی منشیای است که کارش را خیلی بهتر از منشیهای معمولی انسانی انجام میدهد. این، متفق علیه است.

بخش دوم، آیا هوش مصنوعی میتواند مجتهد شود؟ به گمانم هر کسی که ناظر و آگاه باشد، نه، محال است که هوش مصنوعی مجتهد شود.

شاگرد۱: دو چیز متفق علیه را فرمودید؟

استاد: اولی این بود که هوش مصنوعی بهعنوان سیستم خبرهای که منشی فقیه باشد، میتواند باشد. دومی هم که متفق علیه است، این است که آیا هوش مصنوعی میتواند مجتهد بشود؟ نه. محال است که هوش مصنوعی مجتهد بشود. چرا؟ شبیه همان چیزی است که عرض کردم که یک ربات بسیار پیشرفته نمیتواند نائب در حج شود. چرا؟ چون ربات نمیتواند قصد قربت کند. شرط صحت حج و نیابت در حج، قصد قربت است. با آن توضیحاتی که عرض کردم که چون نفسمند نیست و چیزی ندارد که از عالم قدس باشد و از آنجا به اینجا آمده باشد؛ حضرت فرمودند:

«منها قدمتم و الیها تسیرون»[1]؛ از آنجا به اینجا آمدهای و بعد هم برمیگردی. هوش مصنوعی چیزی ندارد که از عالم دیگری به اینجا آمده باشد و آن، میزان باشد. بنابراین اجتهاد هم که یکی از این سنخ کارها است و قوه قدسیه نوریه الهیه است، برای هوش مصنوعی متصور نیست. آن استاد در درس معقولشان زیاد میفرمودند؛ میفرمودند: علم، چشمِ نفس میشود. بلکه از باب اتحاد عاقل و معقول، علم برای نفس ناطقه عین جوهر نفس میشود؛ حرکت جوهری اشتدادی؛ نفس در اثر حرکت

جوهری اشتدادی، شعلهور میشود و بزرگ و فربه میشود. «كُلُّ وِعاءٍ يَضيقُ بِما جُعِلَ فيهِ إلّا وِعاءَ العِلمِ؛ فإنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ»[2]. چند بار دیگر هم عرض کردم که استاد در درس اسفارشان میفرمودند: از معجزات قولی امیرالمؤمنین علیهالسلام این است؛ حضرت نفرمودند «کل وعاء یضیق بما جعل فیه الا وعاء العلم فانه لا یضیق»؛ نفرمودند «لا یضیق»، بلکه فرمودند «فانه یتسع». اصل خصوصیت وعاء علم این است که وقتی علم در آن میآید، وسعت پیدا میکند. نه اینکه «لا یضیق».

خب اگر جوهر نفس با علم، نورانی میشود و وسعت پیدا میکند و فربه میشود، چون هوش مصنوعی این جور چیزی را ندارد، به این معنا هم قوه قدسیه الهیه نخواهد بود و نخواهد داشت. به این معنا، مجتهد نمیشود. این دو، متفق علیه است.

شاگرد۲: از فرمایش قبلی خودتان برگشتید که بین هوش نرم و هوش سخت تفکیک کرده بودید؟

استاد: نه، تقسیمبندی هوش به نرم و سخت ربطی به این ندارد. اصلاً وراء انسانهاست. در بخش سوم این را عرض میکنم.

شاگرد۳: منظور از قوه قدسیه، بحث علم است؟ وقتی میگویید الهی است، یعنی یک باری دارد و این سؤال پیش میآید که آیا کافر میتواند مجتهد بشود؟ مقصودتان این بود؟

استاد: علماء در تعریف اجتهاد، مطالبی فرمودهاند. من به قصد قربت مثال زدم؛ قصد قربت یک چیزی است که ریختش محتاج روح است؛ محتاج نفس انسانی و الهی است. همینطور چیزی، آن اجتهادی است که بخواهد جایز التقلید باشد، و واقعاً بهمعنای اصطلاحی که علماء میگویند، اجتهاد باشد و او مجتهد باشد، این بهره را نیاز دارد. مذاق معصوم دستش هست، یعنی در اثر مؤانست روح او طوری است که اتصال به آنجا پیدا میکند.

شاگرد۳: برای نفی امکان مجتهد شدن هوش مصنوعی، درجات پایینتر کافی است؟

استاد: این مربوط به بخش سوم است. وقتی بخش سوم را عرض کردم، معلوم میشود که این دومی و سومی را چطور میخواهم جدا کنم.

پس اول، سیستم خبره اجتهاد است که همه قبول دارند میشود. مجتهد صاحب نفس قدسیه الهیه، هر کسی آگاه باشد، میداند که نمیشود. بخش سوم که میتواند محل اختلاف باشد، این است که آیا میتواند استدلال اجتهادی کند یا نه؟ عدهای هم ممکن است بگویند نه، قدرت اینکه استدلال اجتهادی کند را ندارد.

شاگرد۴: دیگر چه هوشی است؟! هوش که استدلال میکند.

استاد: ببینید؛ کار سیستم خبره، که در بخش اول گفته شد، استدلال نیست. سومی تفاوت میکند. آن میخواهد با یک مجتهد بحث کند و فتوای او را عوض کند. این از آن برمیآید یا نه؟ این بخش سوم است که محل اختلاف است. جلوتر هم ذیل پروژه نجف گذاشته بودم. پیشنهاد من بهعنوان فهم یک طلبه این است: ما در فقه یک تراث عظیمی داریم و آن هم کتب استدلالی فقهی است. کتب فتوا، فتوا است. اما در کتب استدلالی، فقها در و نقض میکنند. به میدان یکدیگر میروند و بحث میکنند.

حاج آقا می‌فرمودند که مرحوم حاج آقا ضیاء وقتی بحث مطرح می‌شد، می‌فرمودند اینجا گود زورخانه است. یعنی ما یک مجتهدی داریم که صاحب نفس قدسیه الهیه است. یکی هم گود زورخانه داریم که باید دلیل بیاوریم. مرحوم حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌گفتند؛ «ما بینی و بین اللوح المحفوظ الا قبضی للحیتی». می‌گفتند هر مسأله‌ای مطرح شود دست به محاسنم می‌آید و تمام! حاج آقا این را می‌فرمودند. مرحوم آقا ضیاء می‌گفتند در استدلال فقهی نمی‌توان گفت من محاسنم را گرفتم و گفتم حکم الله این است! اینجا گود زورخانه است؛ یعنی باید استدلال کنی و پیروز بشوی. در گود زورخانه فقط باید کشتی‌گیری بلد باشی. در گود زورخانه اگر بگویی من فقیه هستم، فایده‌ای ندارد. باید زور بدنی داشته باشی. چرا؟ چون گود زورخانه به این معنا است. نه اینکه او بگوید من فقیه هستم و دیگری بگوید من بزرگترین فیزیکدان دنیا هستم. حالا به گود زورخانه آمده است؛ خب هر چه هستی، مقامات مختلف، سن مختلف، در گود زورخانه باید زور داشته باشی. این کلام مرحوم آقا ضیاء لطیف بوده است. یعنی وقتی در فضای کتب استدلال فقهی می‌آیی باید دلیل ارائه بدهی. «نحن ابناء الدلیل».

در این فضا، آیا شما می‌توانید به هوش مصنوعی بگویید که استدلال فقهی کند؟ عرض من این است که اگر این تراث عظیمی که در فقه داریم و روی کتب استدلالی، کار حوزوی کنیم -یک الگوریتم‌هایی که در هوش مصنوعی برقرار می‌شود- بعداً الگوریتم‌های نقد فتوا در کتب استدلالی را کشف کنیم...؛ یعنی ببینیم وقتی یک فقیه، فتوای فقیه دیگری را در می‌کند، و خودش فتوای جدیدی را انتخاب می‌کند، چکار می‌کند؟ وقتی اینها را منظم بسط دادیم، آن وقت الگوریتم‌های نقد فتوا برای شما روشن می‌شود. می‌گویید فقها اینگونه و از این مسیر، فتوای فقیه دیگر را نقد می‌کنند - الگوریتم نقد فتوا - و از مسیر دیگری فتوایی را صادر می‌کنند.

شاگرد۴: بلعم باعورا مجتهد نبود؟ منظورم این است که اجتهاد مربوط به کشف واقعیت است، دریافت وحی نیست.

استاد: بحث شما به تعریف اجتهاد مربوط می‌شود.

شاگرد۴: مثالی که برای حج زدید، عمل قلبی می‌خواهد که نیت لازم است، ولی برای اجتهاد و کشف واقع که نیت لازم نیست.

استاد: اگر به این صورت است، پس چرا دوازده شرط برای مجتهد می‌گذارید؟! باید حالزاده باشد، همّش دنیا نباشد و ... . چرا اینها را می‌گویید؟! منظور من این است که بحثش آنجا شده است. اگر شما علی المبنا می‌روید و به آن اشکال می‌کنید، من حرفی ندارم. شما بگویید من تعریف اجتهاد را آنجا قبول ندارم و آن شرائط هم لازم نیست. اگر مجتهد افسق الفساق باشد و اگر منغمر در دنیا باشد، اما در کشف حکم خدا از دیگری که اعدل زمان خودش است، افقه باشد - یعنی قدرت علمی او در کشف حکم خدا بیشتر است - از او تقلید می‌کنیم.

شاگرد۴: احتمال فسق و کذب می‌دهیم.

استاد: خب، اگر علم پیدا کردیم چه؟ علم پیدا کردیم که فسقش را در اینجا اعمال نکرده است و در اینجا خبرویتش را اعمال کرده است. بحث‌های کافر ماجرایی در اینجا دارد. نزاع‌هایی هم هست. من وارد قضایایش نمی‌شوم. من طبق تعریف مشهور از اجتهاد جلو آمدم. فرمایش شما ناظر به آنجا است.

بلعم باعورا هم ربطی به اجتهادش نداشت. «لَدِّي ءَاتَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنۡهَا» [3]؛ در روایت دارد که «أَنَّهُ أُعْطِيَ بَلْعَمُ بْنُ بَاعُورَاءَ الِاسْمَ الْأَعْظَمَ» [4]. لذا مربوط به اجتهاد نبود و اسم اعظم بود.

ذیل فرمایش شما من سوم را مطرح کردم؛ اتفاقاً در دنبالهٔ فرمایش شما بخش سوم مطرح است که استدلال فقهی به این معنا میتواند باشد یا نه؟

شاگرد۵: با منشی فقیه و سیستم خبره فرق ماهوی دارد؟ این هم یک جور منشی است.

استاد: منشی، مطالبی که به او دادهای را بهخوبی سر میرساند و بر خبرویتی که به او دادهای، مواظبتکاری میکند. اما در سومی، خودش میخواهد فتوا بدهد. میخواهد استدلال کند و فتوای مجتهدی که با او بحث میکند را عوض کند، نه اینکه مبانی فقهی او را یادآوری کند و بگوید طبق مبانی فقهی شما، باید به این صورت بگوییم؛ تفاوت اینها مهم است. در سیستمهای خبره، اصلاً یادگیری ماشینی (Machine learning) نیست. یادگیری ماشینی ندارند. اینها تفاوتهای کار است. در سیستم خبره، هر چه خبره به او داده، کار میکند. ولذا اگر خبره، در مطلبی که به سیستم خبره داده اشتباه کرده، این سیستم هرگاه به آن برسد، آن اشتباه را تکرار میکند. اما هوش قوی، یعنی آن سیستمی که یادگیری ماشینی دارد و خودش الگوریتمها را یاد میگیرد، این اشتباه را تکرار نمیکند. وقتی یک بار آمد و دید این اشتباه بود، آن را کنار میگذارد.

شاگرد۵: مگر اشتباه بودنش را از داده دیگری نمیگیرد تا بتواند تحلیل کند و بگوید اشتباه بود؟!

استاد: بله، ولی اشتباهش را ما نمیدانستیم. وقتی او به ما نشان میدهد که اشتباه است، میبینیم راست میگوید. ولی ما نمیدانستیم. یعنی خبرهای که این را به او داد، خودش نمیدانست که اینجا اشتباه است؛ او اعمال کرد و به اشتباه رسید و اشتباه را تکرار نمیکند. چرا؟ چون بخش یادگیری ماشین در آن تعبیه شده است. حال یادگیری نظارت شده ای من، یادگیری نظارت نشده که عرض کردم در آینده، بحث ما بیشتر ناظر به آن است. یادگیری نظارت نشده، بحثهای فقهی سنگینی به دنبالش هست.

شاگرد۳: این بحثی که فرمودید در حد مستشکل کلاس میشود ای مجتهد میشود؟ یعنی الگوریتم کشف واقع را پیدا میکند؟

استاد: ببینید؛ الگوریتم نقد فتوا به این معنا که یک فقیه به چه صورت فتوای فقیه دیگر را در کرده است. بعد الگوریتم تحقیق فتوا یعنی به چه صورت میخواهد بگوید قول تو درست است؛ این هم الگوریتم دارد. ما میبینیم که میگوید آن را در کردیم. بعد استدلال میکند و از یک مسیری میگوید «فتحصل/ فانقدح مما ذکرنا...» یعنی من یک گامهای استدلالی و یک روند و الگوریتمی را گام به گام طی کردم تا گفتم «فانقدح».

شاگرد۳: منظورم این است که دیتای این هوش، به اندازه الگوریتمهایی است که به او دادهایم. ولی ممکن است مسائل مستحدثهای بشود، ای کسی مثل شیخ انصاری بیاید که به الگوریتم جداگانهای نیاز داشته باشد تا واقع را کشف کند؛ آیا به این، مجتهد میگوییم؟

استاد: اگر یادگیری ماشینی باشد، همینطور است. یعنی خودش الگوریتم جدید ارائه میدهد. این مهم است. فقط این نیست که طبق الگوریتمهایی که به او دادهاید، یک صدور جدید داشته باشد، بلکه اصلاً خودش الگوریتم جدید را ارائه میدهد. ولذا الآن محکم عرض نمیکنم، به این خاطر که در آینده، فقها باید نگاه کنند هوش مصنوعیای که آموزش دیده است، اگر الگوریتم جدیدی در تحقیق اجتهاد ارائه داد، فقها میپذیرند یا نه؟ این هنوز باید امتحانش را پس بدهد. ما فعلاً در حد تصور و نظریه عرض میکنیم. ولی راه افتادنش به این صورت است که ما از طریق تراث بزرگی که در فقه داریم، وقتی فقها نظر فقیه دیگری را در میکنند و بعد خودشان یک نظر میدهند، ما اینها را بسط بدهیم و الگوریتمهایش را استخراج کنیم؛ این به هوش مصنوعی داده میشود. در آموزش ماشینی - چه نظارت شده و چه غیر نظارت شده- خودش الگوریتمهای جدیدی را در پارادایمهای موجود در فقه

کشف می‌کند، که اگر طبق این الگوی‌تم‌ها برود، این‌جا دیگر یک چیز مهمی می‌شود - مثل مرحوم شیخ انصاری، که فضا و الگوی‌تم جدید ارائه می‌دهد - باید ببینیم این کجا است.

---

[1] نهج البلاغه صبحي صالح، ج1، ص215 ؛ «وَلْيَكُنْ مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ مِنْهَا قَدِمَ وَإِلَيْهَا يَنْقَلِبُ».

[2] نهج‌البلاغه، حکمت 205

[3] الاعراف175

[4] البرهان في تفسير القرآن بحراني، هاشم بن سليمان ، جلد 2 ، صفحه 615

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 12:47:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 13:49:44 توسط ... .